

مقاله پژوهشی

مطالعه و بررسی اسکلت درون تابوت برنزی در قلعه فلک‌الافلاک به منظور تشخیص جنسیت، هویت و زمان زندگی آن

محمد مهدی توسلی^{۱*}، امیر امیری نژاد^۲، علی سجادی^۳، منصوره نظارتی زاده^۴، مسعود دارابی^۲

۱. گروه باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

۲. دانشکده حفاظت و مرمت، دانشگاه هنر اصفهان، ایران

۳. عضو هیئت علمی، میراث فرهنگی خرم‌آباد، لرستان، ایران

۴. کارشناس عالی حفاظت و مرمت، وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، لرستان، ایران

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۸

چکیده

در بهمن ۱۳۸۳ خورشیدی، باستان‌شناسان میراث فرهنگی لرستان در روستای چوب تراش، واقع در ۳۱ کیلومتری جنوب خرم‌آباد، تابوتی برنزی همراه با جسد، در عمق ۶۰ سانتی‌متر از سطح زمین کشف کردند. مطالعات و گزارش اولیه میراث فرهنگی لرستان، جسد را مربوط به شاهزاده‌ای از فرمانروایان پارتی تشخیص داد؛ امپراتوری قدرتمندی که از ۲۴۷ پیش از میلاد تا ۲۲۴ پس از میلاد در جهان باستان درخشید. از آن زمان تا نگارش این پژوهش، اطلاعات و گزارش علمی دیگری در این خصوص نیست. راستی‌آزمایی این پژوهش، تشخیص اولیه و هویت جسد از نظر جنسیت و وابستگی قومی و نژادی صاحب آن است. از این رو، چند هدف اصلی برای این پژوهش متصور است: شیوه تدفین و وجود دو قطعه چشم‌بند و دهان‌بند طلا روی صورت جسد، رابطه یک قطعه سکه در زیر جناغ جسد که بعد از برداشتن توده‌ای خاک و گل و مواد گیاهی داخل تابوت مفرغی به دست آمده، جنسیت و هویت جسد و در نهایت زمان زندگی و موقعیت اجتماعی اوست. روش تحقیق در این پژوهش، مطالعات انسان‌شناسی جسمانی، آزمایشگاهی، میدانی و براساس بررسی بخشی از تاریخ باستان منطقه جنوب غربی ایران و نیز مشاهدات کامل و توضیح علمی در تفاوت مجسمه و اندام‌های فوقانی و تحتانی اسکلت در مرد و زن و با تأکید بر منابع معتبر و علمی جهان منطبق با مطالعات دیرین انسان‌شناسی زیست‌فرهنگی است. با تلاش متخصصان آزمایشگاهی و مرمت‌گر و باستان‌شناس و دیرین‌استخوان‌شناس و آسیب‌شناس و متخصص تاریخ و خط‌شناس و سکه‌شناس روشن شد جسد، متعلق به مردی جوان، ایرانی، از طبقه اشراف و نخبگان جامعه در دوران تاریخی ایران در زمان الیمایی است.

واژگان کلیدی: خرم‌آباد، روستای چوب تراش، تابوت و اسکلت، چشم‌بند طلایی و سکه، دوره الیمایی - سلوکی.

مقدمه

بود رئیس دانشگاه از خدمات وی در طول دو سال خدمت در دانشگاه لرستان و تلاش برای راه‌اندازی رشته باستان‌شناسی در آن دانشگاه تجلیل کند. در پایان مراسم، دو تن از اعضای علمی و متخصص مرمت میراث فرهنگی و گردشگری لرستان از ایشان دعوت کردند جسدی که در تابوتی برنزی از روستای چوب‌تراش لرستان، حدود ۲۰ سال پیش

در آذر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی، دانشگاه لرستان از یکی از پژوهشگران باستان‌شناسی برای شرکت در جشن هفته پژوهش و تجلیل از خدمات علمی - آموزشی وی برای ارائه سخنرانی دعوت کرد. بعد از ارائه سخنرانی ایشان در خصوص «چشم‌انداز باستان‌شناسی و شیوه‌های نوین انسان‌شناختی زیست‌فرهنگی»، قرار

تابوتی مفرغی دیده می‌شود. کار ادامه پیدا کرده و در ۲۳ همان ماه موفق به کشف تابوتی برنزی و وانی‌شکل (لگنی) با چهار دستگیره در اطراف آن می‌شوند که شبیه به تابوت یافته‌شده در آرژان کهن (بهبهان امروزی) است. در داخل تابوت، جسدی دفن‌شده به صورت نیمه‌چمباتمه - نیمه‌جنینی قرار داشت و روی چشمان و دهان وی با دو تکه نقاب طلایی پوشانده شده بود (تصاویر ۱ تا ۳).

بعد از بررسی اسکلت توسط دکتر فروزان‌فر، از وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع‌دستی ایران، تشخیص داده شد جسد متعلق به جوانی ۲۸-۳۰ ساله با قدی حدود ۱۸۰ سانتی‌متر است که احتمالاً بر اثر زخم شمشیر در جنگ آسیب دیده و بر اثر عفونت ناشی از آن فوت کرده است. دو تن از پژوهشگران میراث‌فرهنگی در گزارش پژوهشی مفصل خود برای ارائه در هفتمین همایش حفاظت و مرمت اشیای تاریخی- فرهنگی و تزیینات وابسته به معماری در تهران، درخصوص این تابوت و جسد داخل آن نوشته‌اند: «در زمستان ۱۳۸۳ به‌دنبال یک کاوش اضطراری در منطقه چوب‌تراش لرستان کنار یک صفت سنگ‌چین، تابوتی مفرغی کشف شد». در این تابوت، اسکلت انسانی با ورقه‌ای طلایی روی دهان و ورقه دیگری روی چشمان به حالت نیمه‌جنینی پیدا شد. مطالعات مقدماتی نشان دادند، اسکلت متعلق به مردی ۲۰-۲۵ ساله با حدود ۱۷۰ سانتی‌متر قد است که بر اثر ضربه شیء برنده‌ای از ناحیه زانوی راست مجروح شده و در اثر عفونت این زخم درگذشته است (همان، ۳۳۳).

از آن‌جا که طلا از عناصر کم‌مقدار معادن این منطقه (لرستان) است، به نظر می‌رسد جسد داخل تابوت متعلق به فردی بوده که موقعیت ممتازی داشته است. شیوه خاص پوشاندن چشم و دهان با طلا بر اهمیت مطالعاتی این مجموعه می‌افزاید. تابوت یادشده از چهار نقطه به صورت قرینه کاملاً شکسته است که شاید به دلیل ضعف ناشی از روش ساخت آن باشد. تابوت اشاره‌شده، ۱۸۳ سانتی‌متر طول و عرض دهانه با لایه بالایی ۹۲ سانتی‌متر و پهنای کف تابوت ۷۸ سانتی‌متر است (همان).

مبانی نظری

یکی از اسناد و شواهد معتبر در بازسازی جریان‌های تاریخی، بررسی تحول هنر و چگونگی آن، شناخت باورهای اعتقادی و مذهبی، کم‌وکیف اوضاع

کشف شده و در حال حاضر در بخش مرمت و احیای اشیای باستانی قلعه فلک‌الافلاک خرم‌آباد نگهداری می‌شود، دیدن کند. وی ضمن سپاس‌گزاری از این زوج متخصص و فهیم و دل‌سوز، روز بعد با عشق و انرژی برای دیداری چندمنظوره و بررسی تابوت مکشوفه و اسکلت داخل آن، به دژ شاپورخواست (قلعه مشهور و باستانی فلک‌الافلاک) رفت. نخستین کار و در عین حال سخت‌ترین مرحله، مرمت تمامی استخوان‌ها به روش علمی در آزمایشگاه قلعه توسط چندتن از متخصصین مجرب قبلاً صورت گرفته بود که نتایج اولیه بررسی و مطالعات آن گروه در همایش میراث‌فرهنگی ایران در سال ۱۳۸۴ در تهران ارائه شده بود (نظارتی‌زاده و دارابی، ۱۳۸۴، ۳۳۹-۳۲۹). از آن تاریخ تا آذر ۱۴۰۲ خورشیدی، مطالعه علمی دیگری برای روشن‌کردن هویت جسد و زمان زیست صاحب آن و دلایل برای تأیید جنسیت آن انجام نشده بود. از این‌رو، برنامه برای مطالعات باستان‌شناختی و انسان‌شناسی زیست‌فرهنگی توسط تیمی متخصص طرح‌ریزی شد. این پژوهش نتیجه مطالعه باستان‌شناسان و پژوهشگران و متخصصینی است که داوطلبانه با عشق و تلاش بسیار برای روشن‌گری این یافته ارزشمند بسیار وقت گذاشته‌اند. امید است کوشش جمعی و نتیجه این مطالعات علمی گوشه‌ای از تاریخ سیاسی و فرهنگی و تمدنی لرستان و ایران عزیز را روشن کند. تلاش جمعی بر این است که در سه گام یا سه روش، یعنی در گام اول تلاش برای شناسایی جنسیت جسد، در گام دوم تلاش برای روش‌کردن هویت صاحب جسد و در گام سوم زمان زیست او مشخص شود.

پیشینه پژوهش

به گزارش خیرگزاری صداوسیما ایران در اردیبهشت ۱۳۹۷، در بهمن ۱۳۸۳ معلم روستای چوب‌تراش خرم‌آباد به نام «کرمی» متوجه چند تکه سنگ قدیمی در سطح زمین شده و این خبر به گوش حفاران غیرمجاز آثار عتیقه می‌رسد. به‌زودی، شب‌ها صدای ابزارآلات حفاران برای به‌دست‌آوردن اشیای عتیقه به گوش وی و خانواده‌اش می‌رسد. همسر این معلم شریف، فوری این موضوع را به اطلاع اداره کل میراث‌فرهنگی و گردشگری لرستان می‌رساند و باعث می‌شود کارشناسان باستان‌شناسی و مرمت میراث خرم‌آباد به محل اعزام شوند. بعد از گمانه‌زنی آزمایشی، در عمق ۳۰ سانتی‌متر، لبه

اقتصادی جامعه و مانند آن، سکه است. این عنصر کم حجم فلزی که در میان یافته‌های باستان‌شناسی به دلیل ماندگاری و موثق بودن ارزش دارند، نه تنها باستان‌شناسان را در ارائه یک گاه‌نگاری مطلق از یک لایه و یا محوطه باستانی یاری می‌رساند، بلکه آن‌ها را قادر می‌سازد تا اطلاعات فراوانی علاوه بر آنچه ذکر شد، در اختیار باستان‌شناسان قرار دهد. یکی از نویسندگان این گروه در سال ۱۳۸۲ خورشیدی هنگام تمیزکردن خاک و مواد زائد داخل تابوت برای مشخص شدن کامل اسکلت داخل آن، خوشبختانه به گلوله‌ای خاک سخت و سفت برمی‌خورد که زیر استخوان جناغ قرار داشت. وی با شست‌وشو و تمیزکردن کامل آن، به کشف سکه‌ای موفق می‌شود که تصویری از شاهان سلوکی با خطی یونانی بر آن نقش بسته است. این سکه، راهنمایی ارزنده برای تحلیل و تفسیر یکی از فرضیه‌های این پژوهش است. همچنین با مقایسه ساختار این تابوت با همسان یافته‌شده آن در ارجان (بهبهان باستانی)، تلاش شده است به سه پرسش اصلی در این پژوهش پاسخ علمی داده شود: در گام اول، تلاش پژوهشگران، تعیین جنسیت جسد بر مبنای مطالعات دقیق انسان‌شناسی زیست‌فرهنگی است. در گام دوم، تأکید بر هویت جسد با مطالعه دقیق سکه کشف شده است؛ در گام سوم، با بررسی تاریخ باستانی جنوب غربی ایران، تلاش شده است زمان زندگی صاحب جسد مشخص شود.

روش تحقیق

منابع معتبر و در دسترس برای روش پیشنهادی در گام اول، مطالعات و کتاب‌هایی است که طی یک تا سه دهه اخیر در خصوص این‌گونه فعالیت‌های علمی منتشر شده‌اند، برخی (Tavassoli, 1999; 2000) نیز با چندمین چاپ مکرر در سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۵ میلادی بوده‌اند. همچنین اثر بسیار خوب سینگ و بیسین (Singh & Bhasin, 1968) از دانشگاه دهلی و کتاب میز (Mays, 2021) از منابع مطالعه‌شده این پژوهش است و برای پرداختن به گام دوم و سوم این پژوهش، متکی بر پژوهش امیری‌نژاد (۱۳۹۱) در خصوص سکه‌های دوره بررسی شده بودیم. برای توصیف و روشن‌شدن محدوده زمان تاریخی مسئله، استناد به پژوهش‌های سرفراز و فیروزمندی (Sarfaraz & Firouzmandi, 2009) در کتاب «باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی ماد، هخامنشی،



تصویر ۱. تابوت مفرغی همراه با جسد و نقاب‌های طلایی. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۲. تصویر کامل تابوت مفرغی لرستان. مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۳. تابوت مفرغی ارجان. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

برای تشخیص جنسیت، دقت در بررسی اکثر استخوان‌های اسکلت ضروری است. زاویه بین گردن و ساقه استخوان ران (فمور) در مردان بیشتر است و معمولاً بین ۱۲۷ درجه تا ۱۳۰ درجه است و همیشه منفرجه است درحالی‌که در زنان کوچک‌تر و شکل زاویه حاده است (تصویر ۴).

پهنای بیشتر لگن استخوانی زن به روش‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد. یک ناحیه مهم زاویه زیر شرمگاهی، استخوان شرمگاهی بخشی از جلوی لگن است. زاویه زیر شرمگاهی آن است که بین چپ و راست شاخک‌های تحتانی شرمگاهی، قسمت‌های پایینی استخوان‌های شرمگاهی را تشکیل می‌دهد. در زنان پهن‌تر و بیشتر به شکل حرف U در زبان لاتین است، درحالی‌که در مردان این قسمت باریک‌تر (به‌طور کلی کمتر از ۹۰ درجه) و بیشتر به شکل حرف V در زبان لاتین است (Mays, 2021, 48) (تصویر ۵).

همچنین می‌توان تأکید کرد چندین ویژگی دیگر از استخوان شرمگاهی در تعیین جنسیت نیز مفید است. زنان معمولاً رشد قوس شکمی را نشان می‌دهند، برآمدگی استخوانی که سطح قدامی استخوان شرمگاهی را به سمت پایین می‌کشد تا با مرز راموس شرمگاهی تحتانی ادغام شود. در مقابل، مردان به‌طور مشخص فاقد قوس شکمی هستند. در عین حال، راموس شرمگاهی که عموماً برآمدگی را در زنان نشان می‌دهد، در مردان بی‌رنگ‌تر است (ibid).

روش بعدی برای درک جنسیت، سطح گوش ایلیم است (تصویر ۵). این سطح مفصلی است که توسط آن این قسمت از لگن با ساکروم مفصل می‌شود. در بزرگسالان جوان، سطح آن موج‌دار است اما بعداً



تصویر ۴. استخوان ران (فمور) مربوط به اسکلت داخل تابوت با زاویه منفرجه (مرد). مأخذ: آرشیو نگارندگان.

اشکانی، ساسانی» شده است. آن‌ها معتقدند با شکست واپسین فرمانروای هخامنشی (داریوش سوم)، در ۳۳۴ پس از میلاد از اسکندر مقدونی و بعد از فراز و نشیب در راه پارت (خراسان تاریخی)، در نزدیکی ساتراپ باختر، فرمانده ساتراپ به نام «بسوس» بر داریوش زخمی زد و وی بر اثر آن زخم جان باخت و شاهنشاهی هخامنشی با درگذشت داریوش سوم به پایان رسید. اسکندر نیز چندی بعد در ۳۲۳ پس از میلاد درگذشت و بعد از یک دهه که متصرفات او در دست سردارانش افتاد، سرانجام یکی از سرداران وی به نام «سلوکوس» از رود کرخه گذشت و وارد میان‌رودان (بین‌النهرین) شد و به بابل رسید و مردم بابل از او استقبال کردند و وی پایه‌گذار حکومت سلوکی در آسیا شد (ibid., 183-184).

بحث

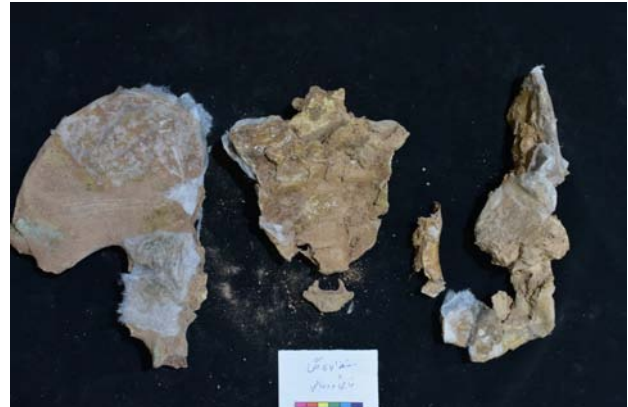
در گام نخست این پژوهش، تلاش جمعی توصیف ویژگی‌ها و نقاط مهم برای شناسایی جنسیت اسکلت است. وضعیت حفظ بقایای اسکلتی به عوامل درونی و بیرونی بستگی دارد. درحالی‌که تأثیرات بیرونی نشان‌دهنده عوامل تعیین‌کننده محیطی مانند ویژگی‌های شیمیایی و بیولوژیکی خاک، دما و رطوبت محیط اطراف، اثرات گیاهان و جانوران و همچنین فرایندهای انسان‌زایی و عوامل ذاتی با جنسیت و سن فرد مطابقت دارد. نوع استخوان، اندازه استخوان و شرایط پاتولوژیک و بازیابی مواد اسکلتی به‌خوبی حفظ‌شده برای یک تجزیه و تحلیل کامل انسان‌شناسی ضروری است، زیرا روش‌ها برای تخمین جنسیت، سن و وابستگی‌های قوم و خویشی، متکی به ویژگی‌های خاص کالبدشناختی هر منطقه است. به‌طور مشابه، تجزیه و تحلیل‌های آسیب‌شناختی و آسیب‌شناختی ناشی از ضربه و جراحت که ممکن است به دلیل دگرسانی مواد آلی که در بقایای باستان‌شناختی دیده نمی‌شوند، مانع تشخیص درست شود (Biehler-Gomez et al., 2022).

مطالعاتی که وضعیت حفظ بقایای اسکلتی را بررسی می‌کنند، عمدتاً بر تجزیه و تحلیل بقایای عناصر استخوان‌شناسی بستگی دارند که گاهی ممکن است مانع تشخیص درست بین بقایای اسکلتی نابالغ و بالغ شوند. استخوان‌هایی که بیشتر مستعد تحلیل‌رفتن هستند، استخوان‌هایی هستند که بیشترین نسبت استخوان اسفنجی را دارند، مانند جناغ، دنده‌ها، مهره‌ها و استخوان‌های هر دو مچ دست‌ها و پاها.

استخوان‌ها نازک‌ترند. استخوان جلوی پیشانی مردان شیب و سرازیری دارد و در جمجمه زنان، مستقیم و پس‌از آن دارای شیب است. حاشیه حفره چشم مردان، نسبت به زنان تاحدی برجسته و ضخیم است و در صورت زنان، حفره چشم باریک و تیز است. قوس بالای حفره چشم در مردان به خوبی رشد کرده، در حالی که در زنان برجستگی کمتری دارد. کمان دندان‌های مردان بزرگ‌تر و گردتر و خود دندان‌ها بزرگ‌ترند اما کمان دندان‌ها و خود دندان‌ها در زنان نسبت به مردان کوچک‌تر است. برآمدگی پیشانی گیجگاهی در اسکلت مردان کمتر جلو آمده، در حالی که در پیشانی زنان بیشتر جلو آمده است. شاخص عرض صورت در مردان بزرگ‌تر و در زنان کوچک‌تر است. استخوان کلی صورت در اسکلت مردان در مقایسه با عرض صورت بلندتر و در زنان کوچک‌تر است. استخوان ترقوه (چنبر)، استخوانی که کمربند شانه‌ای را تشکیل می‌دهد و به شکل حرف لاتین S خوابیده باز است، در اسکلت مردان بلندتر و روی هم‌افتادگی کمتری نسبت به همین استخوان در اسکلت زنان دارد (تصویر ۶).

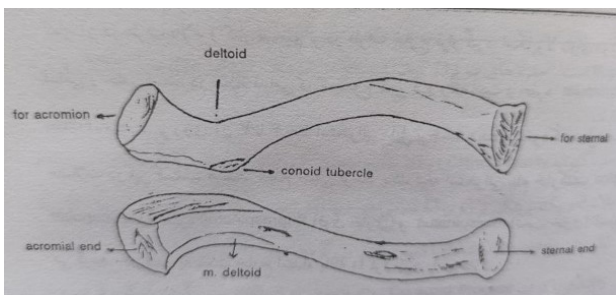
در زیر جمجمه، حفره جوگولار (ژوگولار) قرار دارد که در سمت راست و در سمت چپ مشاهده می‌شود. اندازه این حفره‌ها از نظر قطر دهانه، در سمت چپ و راست باهم اختلاف دارند و در جمجمه مردان بزرگ‌تر و در جمجمه زنان کوچک‌تراند (Mays, 2021, 33-38) (تصویر ۷).

وضعیت حفظ بقایای اسکلتی به عوامل درونی و بیرونی بستگی دارد. در حالی که تأثیرات بیرونی نشان‌دهنده عوامل تعیین‌کننده محیطی مانند ویژگی‌های شیمیایی و بیولوژیکی خاک، دما و رطوبت محیط اطراف، اثرات گیاهان و جانوران و همچنین فرایندهای انسان‌زایی و عوامل ذاتی با جنسیت و سن فرد مطابقت دارد. نوع استخوان، اندازه استخوان



تصویر ۵. لکن مربوط به جسد (مرد) داخل تابوت. مأخذ: آرشیو نگارندگان.

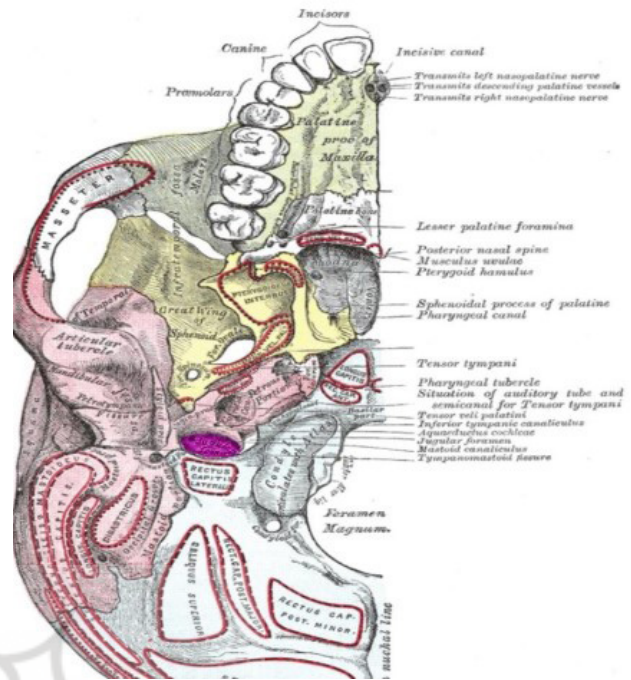
به تدریج صاف‌تر می‌شود. در نهایت این سطح صاف با لبه‌های استخوانی، متخلخل می‌شود (ibid., 65). تشخیص جنسیت با توجه به جمجمه با بررسی و دقت به حاشیه‌های بالای حفره چشم، زائده پستانی و سنجش‌های پایین و کناری جمجمه، اسکلت مردان را از اسکلت زنان می‌توان تشخیص داد (به‌ویژه با مشاهده مستقیم لکن). اندازه اسکلت در مردان معمولاً بزرگ‌تر و ساخت آن ناهموار و حاشیه فوق حدقه‌ای چشم به صورت گرد است و زائده پستانی در مردان بزرگ‌تر است. استخوان پس‌سری در اسکلت مردان، خطوط ماهیچه با برآمدگی مشخص دارد (Tavassoli, 2000, 47). نقطه وسط پایین پیشانی در اسکلت مردان، استخوانی و زاویه پایین و کناری جمجمه به شکل مربع است. آرواره در اسکلت مردان، بزرگ‌تر و پهن‌تر و شبیه به حرف U در حروف لاتین است و برجستگی‌های پس‌سری بزرگ‌تر است. در اسکلت زنان، اندازه‌ها کوچک‌تر، ساخت استخوان صاف‌تر و حاشیه فوق حدقه‌ای چشم، صاف است. زائده پستانی در اسکلت زنان کوچک‌تر از مردان است و خطوط ماهیچه و برآمدگی در استخوان پس‌سری مشخص نیست. نقطه وسط پیشانی و پایین پیشانی در اسکلت زنان، صاف و زاویه پایین و کناری جمجمه آن‌ها گسترده‌تر است. آرواره در اسکلت زنان کوچک‌تر و سهمی است و برجستگی‌های پس‌سری نسبت به اسکلت مردان، کوچک‌تر است. جمجمه مردان نسبت به جمجمه زنان بزرگ‌تر، سنگین‌تر و حجیم‌تر است (کمالی و عسگری خانقاه، ۱۳۷۲، ۲۴۶). سوراخ پس‌سری جمجمه مردان بزرگ‌تر و استخوان‌های آرواره آن‌ها به طور کلی حجیم‌تر است، در حالی که در جمجمه زنان، سوراخ پس‌سری کوچک‌تر و



تصویر ۶. استخوان ترقوه (چنبر). مأخذ: Tavassoli, 2000, 31

باستان‌شناختی دیده نمی‌شوند، مانع تشخیص درست شود (Biehler-Gomez et al., 2022). یکی دیگر از شاخص‌های مهم تشخیص جنسیت، بریدگی سیاتیک است که قوی‌تر از استخوان شرمگاهی است و به‌طور کلی می‌توان آن را پس‌از کاوش مشاهده کرد. بریدگی سیاتیک در زنان پهن‌تر و کم‌عمق‌تر است که یکی دیگر از تظاهرات لگن پهن‌تر زنان است. درحالی‌که این بریدگی در استخوان شرمگاهی مردان ضعیف‌تر و عمیق‌تر است (تصاویر ۸ و ۹). تصویر ۹، تفاوت زاویه بریدگی سیاتیک و سطح ایلیوم را نشان می‌دهند. با توجه به دلایل علمی گفته‌شده و بررسی کامل اسکلت مطالعه‌شده، جنسیت جسد، بی‌تردید، مرد است.

در گام دوم پژوهش، تشخیص هویت جسد با تکیه بر کشف سکه یافته‌شده زیر استخوان جناغ جسد است. با مرگ اسکندر در حدود سال ۳۲۳ پس‌از میلاد، نبرد بین فرماندهان او آغاز شد که به دیادوخوی (Diadochoi) مشهور است؛ به‌طوری که در حدود سال ۳۱۶ پس‌از میلاد، نبردی بین دو سردار معروف اسکندر یعنی اومنس (Eumenes) و آنتیگونه یک‌چشم در سوزیانا و ماد رخ داد که به پیروزی آنتیگونه انجامید و وی در سال ۱۸- ۳۱۶ پس‌از میلاد در شوش به ضرب سکه پرداخت (Bellinger, 1950, 45). سلوکوس اول در سال ۳۱۲ پس‌از میلاد، بر بین‌النهرین چیره شد و در حدود سال ۳۰۴ پس‌از میلاد، وارد نبرد افسوس (Ipsos) با آنتیگونه شد و توانست او را شکست دهد و بر ایران

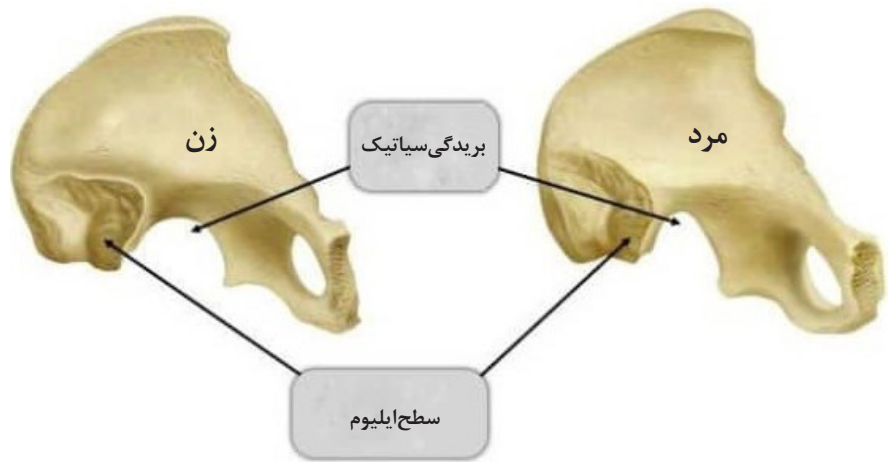


تصویر ۷. حفرة جوگولار/ژوگولار در زیر جمجمه بارنگ صورتی مشخص شده است. مأخذ: <https://fa.wikipedia.org>

و شرایط آسیب‌شناختی (پاتولوژیک) و بازیابی مواد اسکلتی به‌خوبی حفظ‌شده برای یک تجزیه و تحلیل کامل انسان‌شناسی ضروری است. زیرا روش‌ها برای تخمین جنسیت، سن و وابستگی‌های قوم و خویشی، متکی به ویژگی‌های خاص کالبدشناختی هر منطقه است. به‌طور مشابه، تجزیه و تحلیل‌های آسیب‌شناختی و آسیب‌شناختی ناشی از ضربه و جراحت که ممکن است به دلیل دگرسانی مواد آلی که در بقایای



تصویر ۸. بریدگی سیاتیک در لگن اسکلت یافته‌شده (سمت راست بریدگی سیاتیک استخوان شرمگاهی مربوط به اسکلت قلعه فلك الافلاك را نشان می‌دهد که جنسیت صاحب جسد را که مرد است ثابت می‌کند). مأخذ: آرشیو نگارندگان.



تصویر ۹: زاویه بریدگی سیاتیک و سطح ایلیوم. مأخذ: <https://anatomy.app/encyclopedia/hip-bone>

عمان)، شوش (به استثنای حصار شوش) و تقریباً بین‌النهرین را تصرف کند. شاه که موقعیت را بد می‌دید خود شخصاً برای سرکوبی مولون وارد عمل شد و او را در نزدیکی شهر آپولونیاتیس شکست داد. مولون چون از معرکه جان سالم به در برد، نتوانست شکست را قبول کند و در نهایت خود و اطرافیان نزدیکش در سال ۲۲۰ پس از میلاد، دست به خودکشی زدند. آنتیوخوس بعد از سپری شدن این ماجرا، به سمت شرق راهی شد و اشکانیان را مجاب به سرسپردگی کرد و آن‌ها را خراج‌گذار خود کرد اما روند روبه‌رشد آنتیوخوس به پایان خود می‌رسید، چنان‌که رومیان به کوه‌های تاتاروس رخنه کرده و امپراتوری عظیمی را پدید آوردند (همان). آنتیوخوس در نبردی در حدود سال ۱۹۰ پس از میلاد در مغنیسیا یا ماگنیزیا (آناتولی) از رومیان شکست خورد و مجبور به تن‌دادن به شرایط سنگین صلح (۱۸۸ پس از میلاد) شد. شرایط چنان مهیب بود که حشمت و شوکتی را که پادشاه در چشم خلق داشت از بین برد و پریشانی‌های پادشاه یکی پس از دیگری نمایان شد. نخستین علت پریشان‌خاطری او خالی شدن خزانه و خراجی را که باید به رومیان تأدیه شود، بود. برای تحصیل مال، آنتیوخوس به ناچار در سال ۱۸۷ پس از میلاد، به سمت شوش رفت و به معبد بل یا بعل (Bel) در الیمائید حمله کرد (Holleaux, 1938, 254). این حمله به قیمت جان فرمانروای سلوکی تمام شد، چنان‌که آنتیوخوس سوم در سوم ژوئیه ۱۸۷ پس از میلاد درگذشت (Sachs & Wiseman, 1954, 207). اگرچه با مرگ آنتیوخوس سوم از فشار بر الیمائید

مسلط شود و سلسله سلوکی را بنیان نهد. سلوکوس در سال ۲۸۱ پس از میلاد، فرمانروایی آسیا را به پسرش آنتیوخوس سپرد و خود راهی مقدونیه شد اما در نزدیکی داردانل به دست بطلمیوس کرائونوس کشته شد و برای او معبدی باشکوه ساختند (Spiegel, 1878, 28). آنتیوخوس اول معروف به سوتر (نجات‌دهنده) در سال ۲۶۱ پس از میلاد، در سارد و در حال سرکوب شورشی محلی کشته شد (رجبی، ۱۳۸۱، ۳۴). با کشته شدن آنتیوخوس، پسرش آنتیوخوس دوم ملقب به تئوس (خدا) در سال ۲۶۱ پس از میلاد، به جای پدر بر تخت نشست. این پادشاه در حدود سال ۲۴۶ پس از میلاد، به دست همسرش لائودیکه مسموم شد تا سلوکوس دوم معروف به کالینیکوس (فاتح رخننده) به پادشاهی رسد. دوره فرمانروایی او مصادف با آغاز اقتدار و اعتلای اشکانیان و فروپاشی سلوکی در ایران بود (Amirinejad, 2012, 12).

یوستین، پایان زندگی سلوکوس دوم را چنین بیان می‌کند: «سقوط از اسب به زندگی سلوکوس دوم پایان داد» (رجبی، ۱۳۸۱، ۳۷) اما این حادثه آغازی بود بر شروع حکومت کوتاه‌مدت سلوکوس سوم که در حدود ۲۲۶-۲۲۴ پس از میلاد به حکومت رسید. آنتیوخوس سوم ملقب به کبیر در حدود سال ۲۲۳ پس از میلاد به قدرت رسید. در زمان فرمانروایی او بود که مولون (حاکم ماد)، با تأیید برادرش اسکندر، حاکم پرسیس (پارسه) علم طغیان برافراشت و تاج بر سر گذاشت (همان). او به سهولت توانست بابل، نواحی کرانه دریای اریتره (خلیج فارس و دریای



تصویر ۱۰. پشت و روی سکه آنتیوخوس سوم، ضرب اکباتان. مأخذ: امیری نژاد، ۱۳۹۱.

اجازه داده است بیشترین مقبولیت میان جوامع الیمایی را داشته باشند (تصویر ۱۲). بنابراین محل کشف، گواه این واقعیت است که نخبگان الیمایی وابسته به آنتیوخوس سوم می‌توانستند به بهترین شکل از موجودیت سیاسی سلوکی در ایران حمایت کنند.

• علت مرگ

علت مرگ متوفی با توجه به شواهد فیزیکی به‌جامانده نشان می‌دهد، مرگ در اثر ضربه شمشیر به ران بوده که با توجه به شرایط سیاسی در دوره آنتیوخوس سوم در ایران می‌توان فرض کرد نخبه الیمایی در جریان جنگ در حمایت از آنتیوخوس سوم زخمی شده و به‌علت زخم شدید و ازدست‌دادن خون و عفونت محل زخم، فوت شده است و در این مکان که مرکزیت قدرت آنتیوخوس در ایران بوده است، به‌طرز شاهانه تدفین شده است. بدیهی است مطالعه دقیق دیگری برای علت مرگ ضروری است و نیاز به متخصص بیماری‌های دیرین انسان‌شناس و امکانات مربوط به آن دارد که در صورت فراهم‌آمدن فرصت مناسب، انجام می‌شود. در فرصت اخذ مجوز، توسط نویسنده اول این پژوهش انجام می‌شود.

• سن

با توجه به بررسی‌های انسان‌شناختی زیستی، جسد داخل تابوت برنزی، نشان می‌دهد فرد متوفی جنسیت مرد و بین ۲۵ تا ۳۵ سال سن داشته است. می‌توان فرض کرد با توجه به سن فرد متوفی، او نمی‌تواند از شاهان و شاهزادگان سلوکی باشد و از طرفی

کاسته می‌شود و آن‌ها مجالی برای استقلال‌طلبی به‌دست می‌آورند اما هم‌چنان در شوش ضرب سکه سلوکی تا زمان دمتریوس دوم (نیکاتور) ادامه پیدا می‌کند (Houghton, 1983, 105-107).

سکه‌های به‌دست‌آمده از سلوکیان در ایران نشان می‌دهد شاهان سلوکی در ایران (شوش و اکباتان) به ضرب سکه پرداخته‌اند، به‌طوری که سکه‌های ضرب‌شده از آنتیوخوس سوم ضرب اکباتان در دست است که با سکه به‌دست‌آمده از تابوت برنزی کشف‌شده شباهت کامل دارد (تصاویر ۱۰ و ۱۱).

با توجه به رخدادهای تاریخی در دوره پادشاهی آنتیوخوس سوم، می‌توان به‌صورت دقیق معلومات را بررسی کرد تا بتوان به شناخت مجهولات رسید و در نهایت بتوان هویت متوفی را مشخص کرد. معلومات موجود شامل: (۱) محل کشف: روستای چوب‌تراش در ۳۱ کیلومتری خرم‌آباد، (۲) علت مرگ: به‌نظر می‌رسد ضربه شمشیر به ران، (۳) سن: مرد بین ۲۵-۳۵ سال، (۴) سکه: آنتیوخوس سوم و (۵) نوع تابوت: از نوع میان‌رودانی/ بین‌النهرین (وانی شکل).

• محل کشف تابوت مفرغی (برنزی)

روستای چوب‌تراش محل کشف تابوت است که در فاصله ۳۱ کیلومتری خرم‌آباد، ۱۳۰ کیلومتری شوش و ۱۶۰ کیلومتری اکباتان قرار دارد. این فاصله مستقیم بین محل کشف و استقرارهای مهم دوره سلوکی در ایران، نشان می‌دهد محل تدفین در مرکز قدرت آنتیوخوس در ایران بوده است و این مرکزیت به نخبگان الیمایی

شاهان پارتی در این منطقه در دوره زمانی حاکمیت آنتیوخوس سوم قدرت چندانی نداشته اند که بتوانند با حاکمیت سلوکی در ایران غربی مقابله کنند و وارد جنگ جدی شوند؛ از این رو، با توجه به موارد یادشده در نتیجه جمع‌بندی این پژوهش، جسد مربوط به یکی از بزرگان الیمایی حامی سلوکی در ایران است.

• سکه

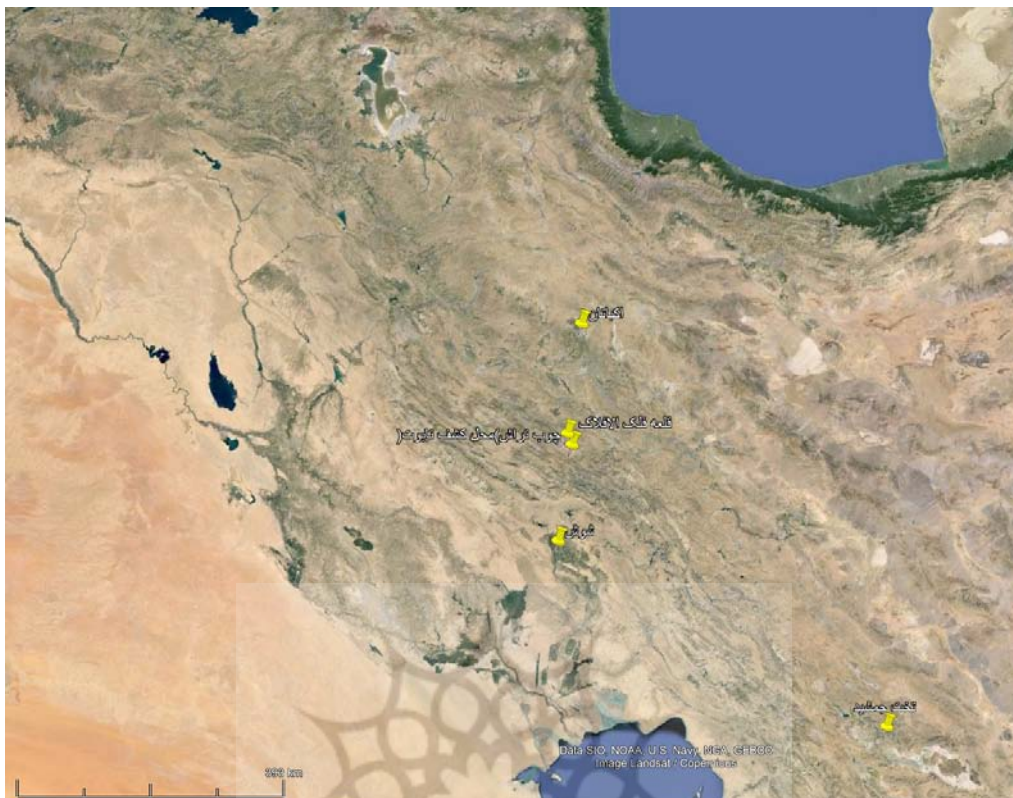
سکه به دست آمده در تابوت برنزی، متعلق به آنتیوخوس سوم و ضرب اکباتان است. این سکه در تاریخ‌گذاری نسبی مهم است. به طوری که این سکه‌ها مربوط به قبل از ۱۸۷ پیش از میلاد است؛ نخستین سکه‌های شاهان الیمایی در حدود ۱۴۷-۱۴۵ پیش از میلاد توسط کامناسکیرس اول (مگاس سوتر ۱۴۷-۱۴۵ پیش از میلاد) ضرب شده است (Salaris, 2017). بنابراین بهترین تاریخ متوفی می‌تواند بین ۱۸۷ تا ۱۴۷ پیش از میلاد باشد اما با توجه به ضرب سکه توسط دمتریوس دوم (نیکاتور) در شوش، می‌توان این احتمال را مطرح کرد که فرد متوفی در زمان آنتیوخوس سوم و در جریان جنگ‌های داخلی در منطقه کشته شده است. سکه یافته شده شباهت بسیاری با ضرب سکه کامناسکیرس اول دارد که روی سکه وی، تصویر شاه به شیوه سلوکی روبه‌راست و چهره بدون ریش، روبانی به‌عنوان دیهیم موها را احاطه کرده و در پشت سر، گره خورده و انتهای روبان به حالت آویزان در پشت سر قرار گرفته است. تصویر شاه توسط نقاط زنجیره‌ای توپر محاط گردیده است. پشت سکه، پیکر نیمه‌عریان بعل یا آپولون، نشسته بر روی سکو یا تخت (اومفالوس)، پیکانی در دست راست و کمانی در دست چپ دارد. در دو سوی راست و چپ پیکر آپولون، نوشتاری به خط یونانی شاه را معرفی می‌کند (تصاویر ۸ تا ۱۱).

• نوع تابوت

نوع تابوت به دست آمده از نوع تابوت‌های میان‌رودانی یا لگنی (وانی شکل) است که نمونه آن در ارجان (بهبهان امروزی) و در ادوار آشور نو تا دوره پارتی در منطقه به دست آمده است (Wicks, 2015). با توجه به نوع تابوت، این احتمال وجود دارد که فرد متوفی نه از خاندان سلوکی بلکه از بومیانی بوده است که از منظر اعتقادی، وابستگی به قلمروی الیمایی داشته است. این فرض باعث می‌شود بتوانیم فرد متوفی را از نخبگان الیمایی معرفی کنیم که از قدرت مسلط سلوکی تحت پادشاهی آنتیوخوس سوم حمایت کرده است. گام سوم، تحلیلی کوتاه از دوران زندگی صاحب



تصویر ۱۱. سکه مکشوفه در تابوت، نوشته روبه‌روی آپولون در پشت سکه به خط یونانی: آنتیوخوس، علامت ضرب‌خانه کنار تصویر آپولون: اکباتان، پشت سر آپولون: بازلیوس (به معنی شاه) (تصاویر تیرمرنگ مربوط به سکه داخل تابوت است). مأخذ: امیری نژاد، ۱۳۹۱،



تصویر ۱۲. نقاط زرد روی نقشه از بالای اکباتان و در وسط روستای چوب‌تراش و در پایین سوزیانا را نشان می‌دهد. مأخذ: نگارندگان برگرفته از Google earth.

۳۲۳ پیش از میلاد، در سن ۳۶ سالگی درگذشت (ibid., 182) و متصرفات وی به دست سردارانش افتاد. یکی از سرداران وی به نام سلوکوس بابل را متصرف شد و در پی آن سوزیانا (شوش) و نواحی مجاور آن یعنی عیلام را ضمیمه قلمروی خود کرد و سلسله‌ای بنیان نهاد (از ۳۱۱ پیش از میلاد تا ۳۰۲ پس از میلاد) که خون ایرانی با خون یونانی آمیخته بود. سولوکس در ۲۷۱ پس از میلاد، توسط پسر بطلمیوس شاه مصر به قتل رسید و سلطنت او به آنتیوخوس رسید (ibid., 185).

نتیجه‌گیری

بررسی کامل از این یافته، نشان می‌دهد تاریخ باستانی کشور ایران سرشار از دلایل علمی و متقن برای دوران پرشکوهی است که پیوسته در شرایط زمانی گوناگون، اقوام و مردمان سرزمین‌های غربی و گاه شرقی به آن حمله کرده‌اند. گاه به دلیل ثروت سرشار آن و گاه به دلیل زمین‌های بسیار گسترده و مستعد کشاورزی و آب و چنگل فراوان و گاه به دلایل متعدد دیگر تاریخی. قطعاً در چنان شرایطی، اقوام

جسد است و تلاش شده برای روشن شدن این پرسش از منابع موثق استفاده شود. با شکست واپسین فرمانروای هخامنشی، داریوش سوم در ۳۳۴ پس از میلاد از اسکندر مقدونی و بعد از فراز و نشیب در راه پارت، در نزدیکی دامغان، ساتراپ باختر به نام بسوس بر او زخمی زد و داریوش با آن زخم در ۳۳۰ پیش از میلاد درگذشت (Sarfaraz & Firouzmandi, 2009, 113). با درگذشت داریوش، امپراتوری هخامنشی از هم پاشید و اسکندر به هند لشکر کشید اما پیشرفتی نکرد و ناگزیر در ۳۲۵ پیش از میلاد به شوش برگشت و دستور داد سربازان متمدن یونانی را مرخص کنند و فقط آن‌ها که شایسته بودند کنار او بمانند و وانمود کرد دیگر قصد جنگ ندارد و از این‌رو، شوش را پایتخت خود کرد و به رسم پارسیان با دختری ایرانی ازدواج کرد و در آن جشن دستور داد ۱۰ هزار تن از سربازان یونانی هم با زنان ایرانی ازدواج کنند و آرزوی دیرین خود را که اتحاد بین دو دنیای شرق و غرب بود، برآورده کرد (ibid., 181). سرانجام اسکندر پایتخت خود را به بابل انتقال داد و در

و مردمان بسیاری در اطراف مرزهای گسترده آن چشم طمع به این سرزمین دوخته و با جنگ و گریز و گاه تصرف بخشی از خاک آن، به هدف خود رسیده‌اند. در زمان گفته‌شده، اقوام یونانی و مقدونیه از غرب و سکاها و اقوام زردپوست از شرق، مرزهای این سرزمین گسترده و ثروتمند و آباد را درنوردیدند و گاه که قدرت امپراتوری هخامنشی ضعیف شده، خود را مالک بخشی از این سرزمین دانسته‌اند. در چنان زمانی، نه تنها به نام خود سکه زده‌اند بلکه آثار هنری و ابنیه عمومی بسیار برای نهاده‌اند و گاه خود را ایرانی خوانده و برای اتحاد یونانی‌ها و ایرانی‌ها تلاش بسیار کرده‌اند؛ سلوکی‌ها بهترین نمونه از این ادعا است. جسد و تابوت مفرغی بی نظیر گفته‌شده در این پژوهش، نشان می‌دهد شخصیت خوابیده در تابوت، ایرانی و از بزرگان و نخبگان الیمایی است که رابطه نزدیکی با سلوکی‌ها داشته و به سبک آن‌ها تدفین شده است. نقاب‌های طلایی روی چشمان و دهان وی و نیز سکه نقره‌ای در زیر استخوان جناغ او که مربوط به دوران سلوکی است، این ادعا را ثابت می‌کند. ارائه کامل تشخیص جنسیت که حاصل تجربه علمی و عملی چندین ساله پژوهشگران است، می‌تواند راهنمای مناسبی برای پژوهشگرهای آینده باشد.

اظهار نامه

این پژوهش برای نخستین بار توسط نویسندگان همین پژوهش تألیف شده و هر جا از منابع معتبر استفاده شده، نام نویسنده آن و مرجع منبع، ذکر شده است.

پی نوشت ها

۱. عنوان تئوس را مردم شهر یونانی ملیته (ملیظه) به آنتیوخوس دادند که آن‌ها را از شر فردی ستمگر به نام تیمارخوس رهایی بخشید.

فهرست منابع

- امیری‌نژاد، امیر. (۱۳۹۱). پژوهشی بر سکه‌های فرتکه و الیمایی در دوره اشکانی [پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد، دانشگاه سیستان و بلوچستان]. پایگاه اطلاعات علمی ایران (گنج). <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/7fd0b98e0ecbacbaa0348aefbbee1d45>
- رجبی، پرویز. (۱۳۸۱). هزاره‌های گم‌شده. انتشارات توس.
- کمالی، محمد شریف و عسگری‌خانقاه، اصغر. (۱۳۷۲).

- مبانی انسان‌شناسی زیستی. انتشارات توس.
- نظارتی‌زاده، منصوره و دارابی، مسعود. (۱۳۸۴). کشف، انتقال و اقدامات حفاظتی صورت‌گرفته بر تابوت فلزی چوتاش. در مجموعه مقالات هفتمین حفاظت و مرمت اشیاء تاریخی- فرهنگی و تزیینات وابسته به معماری (صص. ۲۲۹-۳۳۸). انتشارات میراث فرهنگی و گردشگری و صنایع دستی.
 - Amirinejad, A. R. (2012). *پژوهشی بر سکه‌های فرتکه و الیمایی در دوره اشکانی [A study on Fartarke and Elima coins in the Parthian period] [Master's thesis, University of Sistan and Baluchestan]. Iranoc. [in Persian].* <https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/7fd0b98e0ecbacbaa0348aefbbee1d45>
 - Bellinger, A. R. (1950). *An alexander hoard from Byblos*. Berytus.
 - Biehler-Gomez, L., Mattia, M., Mondellini, M., Palazzolo, L., & Cattaneo, C. (2022). Differential skeletal preservation between sexes: a diachronic study in Milan over 2000 years. *Archaeological and Anthropological Sciences*, 14(8), 147. <https://doi.org/10.1007/s12520-022-01616-0>
 - Holleaux, M. (1938). *Études d'épigraphie et d'histoire grecques*. E. de Boccard
 - Houghton, A. (1983). *Coins of the Seleucid Empire from the collection of Arthur Houghton*. American Numismatic Society.
 - Kamali, M., & Askari Khanaghah, A. (1993). *انسان‌شناسی زیستی [Biological Anthropology]*. Toos Publications. [in Persian]
 - Mays, S. (2021). *The archaeology of human bones*. Routledge.
 - Nezaratzadeh, M., & Darabi, M. (2005). کشف، انتقال و اقدامات حفاظتی صورت‌گرفته بر تابوت فلزی چوتاش [Discovery, Transfer, and Conservation Measures Taken on the Chotash Metal Coffin]. In *Collection of Articles of the Seventh Conservation and Restoration of Historical-Cultural Objects and Decorations Related to Architecture* (pp. 229-338). Mirat Cultural, Tourism, and Handicrafts Publications. [in Persian]
 - Rajabi, P. (2002). *هزاره‌های گم‌شده [The Lost Millennia]*. Toos Publications. [in Persian]
 - Sachs, A. J., & Wiseman, D. J. (1954). A Babylonian king list of the Hellenistic period. *Iraq*, 16(2), 202-211. <https://doi.org/10.2307/4199591>
 - Salaris, D. (2017). *The Kingdom of Elymais (ca. 301 BC-224 AD): a comprehensive analysis (archaeological, artistic, and textual) of one of the most important minor reigns in southern Iran* [Doctoral dissertation, Macquarie University]. <https://doi.org/10.25949/19442270>
 - Singh, I. P., & Bhasin, M. K. (1968). *Anthropometry-A Laboratory manual of biological anthropology*. Kamla Raj Enterprises.

- Spiegel, F. (1878). *Eranische Altertumskunde*. Leipzig.
- Sarfaraz, A. A & Firouzmandi, B. (2009). *Archaeology and art of the historical periods of mad.hakhamaneshi, Ashkani, Sasani*. Marlik Publications.
- Tavassoli, M. (1999). *Paleoanthropology of Iran*. S.T. Printers.
- Tavassoli, M. (2000). *Introduction to osteology and topography for archeologists*. S.T. Printers.
- Wicks, Y. (2015). *Bronze 'bathtub' Coffins in the Context of 8th-6th Century BC Babylonian, Assyrian and Elamite Funerary Practices*. Archaeopress Publishing.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to journal of Art and Civilization of the Orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
توسلی، محمدمهدی؛ امیری‌نژاد، امیر؛ سجادی، علی؛ نظارتی‌زاده، منصوره و دارابی، مسعود. (۱۴۰۴). مطالعه و بررسی اسکلت درون تابوت برنزی در قلعه فلک‌الافلاک به‌منظور تشخیص جنسیت، هویت و زمان زندگی آن. *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۳(۵۰)، ۵۲-۶۳.

DOI: [10.22034/jaco.2025.519812.1472](https://doi.org/10.22034/jaco.2025.519812.1472)

URL: https://www.jaco-sj.com/article_235360.html

